

علم أصول الفقه

۵-۱۱-۹۲ حجیت سیره و ارتکاز ۴۳

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

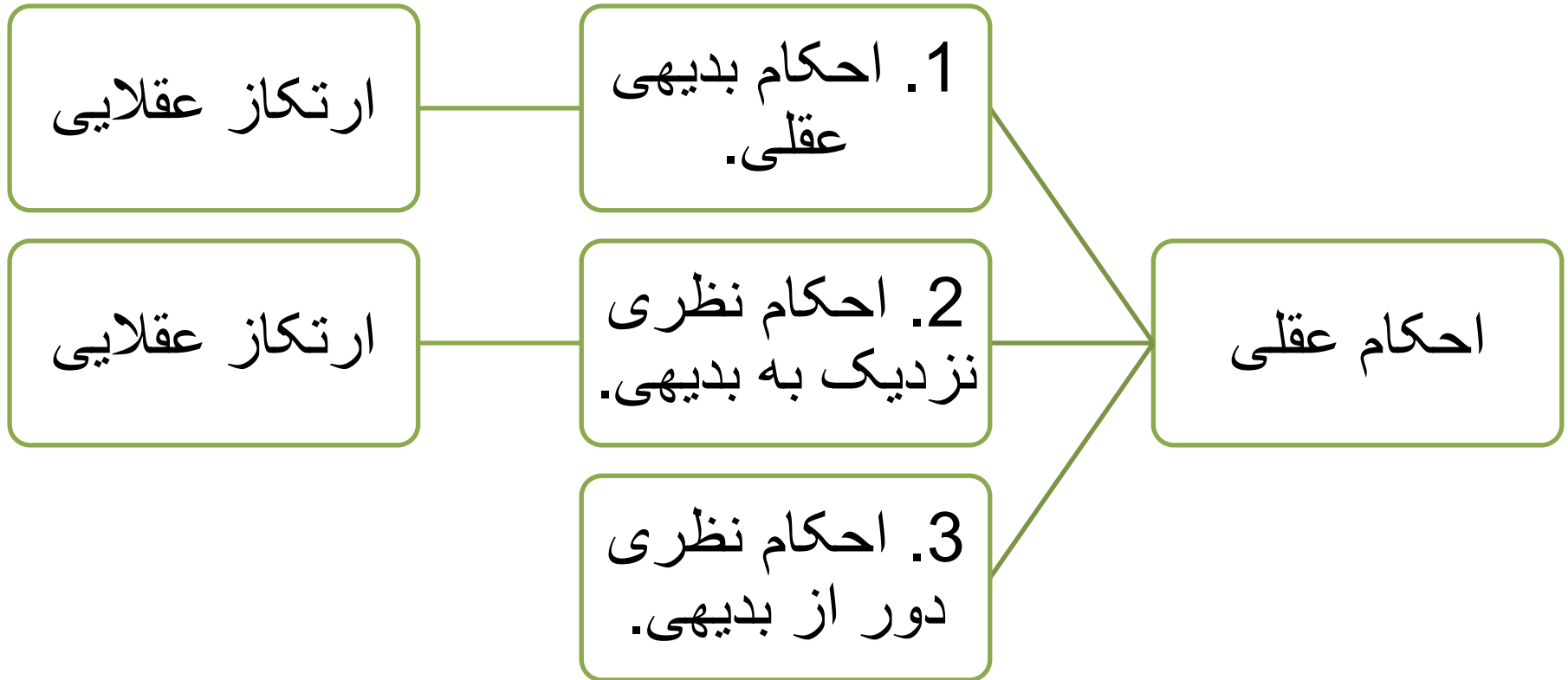
ارتکازات عقلایی و احکام عقل

- اما ارتکازات عقلایی، آن چیزی است که در ذهن عقلا است، چه به آن التفات تفصیلی داشته باشند و چه نداشته باشند، چه منشأ پیدایش آنها، حکم عقل باشد و چه امر دیگری مثل خیال، وهم، حس و... بنابراین همیشه این طور نیست که ارتکازات عقلایی بر اساس احکام عقلی به وجود آمده باشند.

ارتکازات عقلایی و احکام عقل

- از میان آن سه دسته حکم عقلی که در بالا ذکر گردید، دو قسم در حوزه ارتکازات عقلا قرار می‌گیرد. آن دو قسم، احکام عقلی بدیهی و احکام عقلی نظری نزدیک به بدیهی هستند.
- این دو دسته در ذهن عقلا قرار دارند؛ اگرچه ممکن است به آنها توجه نداشته باشند که اگر به آنها توجه نمایند، ادراکشان نسبت به آنها تفصیلی خواهد بود.

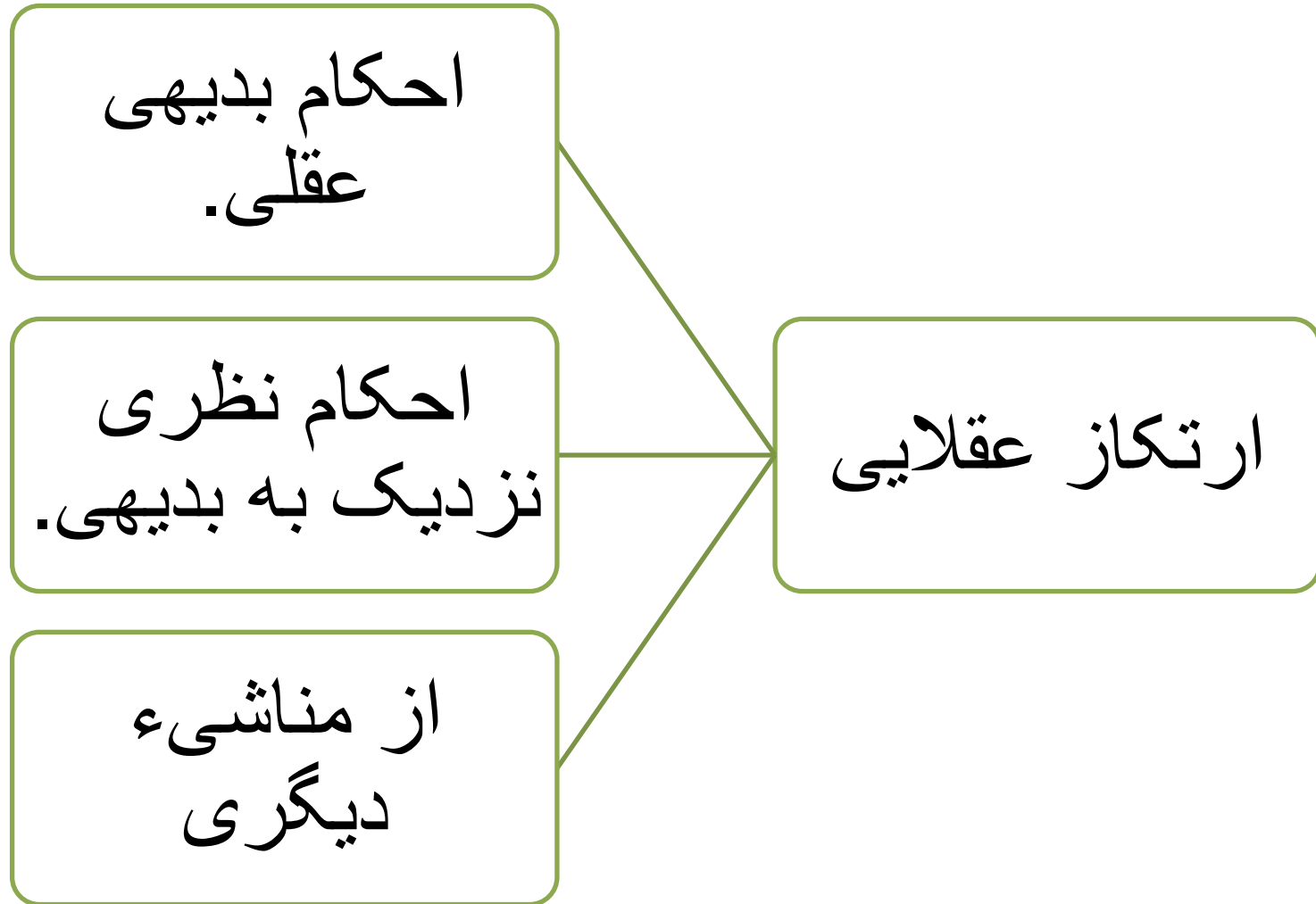
ارتکازات عقلایی و احکام عقل



ارتکازات عقلایی و احکام عقل

- غیر از این ارتکازات که منشأ پیدایش آنها حکم عقل است، ارتکازات دیگری هم وجود دارد که از مناشیء دیگری حاصل شده‌اند.

ارتکازات عقلایی و احکام عقل



ارتکازات عقلایی و احکام عقل

- مثال زیر یکی از این موارد است:
- در حوزه‌ی مالکیت، حیازت را به عنوان یکی از عوامل پیدایش مالکیت اولیه نام می‌بریم و می‌گوییم: «اگر مالی، مالکی ندارد و جزو مباحات اولیه است، هر کس آن را به دست آورد، مالک آن مال به حساب می‌آید». بنابراین پرندگان آسمان، حیوانات وحشی و... که مالکی ندارند، با صید صیاد به ملکیت وی در می‌آیند. صید یک امر تکوینی است و مالکیت یک امر اعتباری. در ارتکاز عقلایی این امر تکوینی منشأ آن امر اعتباری است و همه‌ی عقلایی در این ارتکاز مشترک هستند.

ارتکازات عقلایی و احکام عقل

- اما چنین ارتکازی به حکم عقل به وجود نیامده است. انسان با مقدمات عقلی به این نتیجه نمی‌رسد که حیازت منشأ مالکیت است. از این رو، اگر حیازت منشأ مالکیت نباشد، هیچ محال عقلی لازم نمی‌آید. از نظر عقل ضرورت ندارد در پی حیازت، مالکیت پیدا شود؛ اما از نظر عقلا چنین چیزی ضروری است. همه‌ی عقلا در تمام طول تاریخ از انسان اولیه که به شکار می‌رفت تا انسان امروزی، همین ارتکاز را داشتند و حیازت‌کننده را صاحب مال می‌شمردند و خلاف این حکم را اصلاً نمی‌پذیرفتند.

ارتکازات عقلایی و احکام عقل

- ارتکازات عقلایی و احکام عقلی نیز از جمله اموری هستند که حتی برخی از علمای بزرگ در تفکیک آنها اشتباه کرده و گمان نموده‌اند ارتکاز عقل همان حکم عقل است.
- در حالی که گاهی حکم عقل هست؛ اما ارتکازی وجود ندارد، مثل نظریات دور از بدیهیات و گاهی ارتکاز هست؛ اما حکم عقل وجود ندارد مثل حیازت و مالکیت و البته گاهی، هم حکم عقل وجود دارد و هم ارتکاز، مثل بدیهیات و نظریات نزدیک به بدیهی.

ارتکازات عقلایی و احکام عقل

- خلاصه آن که ارتکازات عقلایی و احکام عقلی و همچنین ارتکازات عقلایی و سیره‌های عقلایی مفهوماً با هم متفاوت هستند و گاهی در مصداق نیز از هم جدا می‌شوند.

فرق سیره یا ارتکاز عقلائی با حکم عقل

- بنابراین بین موارد ارتکازات عقلائی با احکام عقلی، عموم و خصوص من وجه برقرار است. در بعضی فروض هم حکم عقلی هست و هم ارتکاز عقلائی مثل ارتکاز برخاسته از احکام عقلی بدیهی یا نظری نزدیک به بدیهی. در مواردی حکم عقلی هست ولی ارتکاز نیست مثل احکام عقلی نظری دور از بدیهیات. در بعضی مواردی ارتکاز عقلا هست ولی حکم عقل نیست؛ مثل اینکه عقلا برای سامان دادن به زندگی و اجتماع خود، حیا زت را عامل مالکیت تلقی کرده‌اند.

فرق سیره یا ارتکاز عقلایی با حکم عقل

- از این رو اینکه می‌گوییم ارتکازات عقلایی از حیثیت عقلایی انسان‌ها و به یک معنا از عقل آن‌ها نشأت می‌گیرد، بدان معنا نیست که همه ارتکازات عقلایی از قبیل حکم عقلی‌اند و خلاف مفاد آن‌ها از نظر عقل محال است؛ البته در ارتکازات نیز چیزی که حکم می‌کند، همان عقل است.

فرق سیره یا ارتکاز عقلایی با حکم عقل

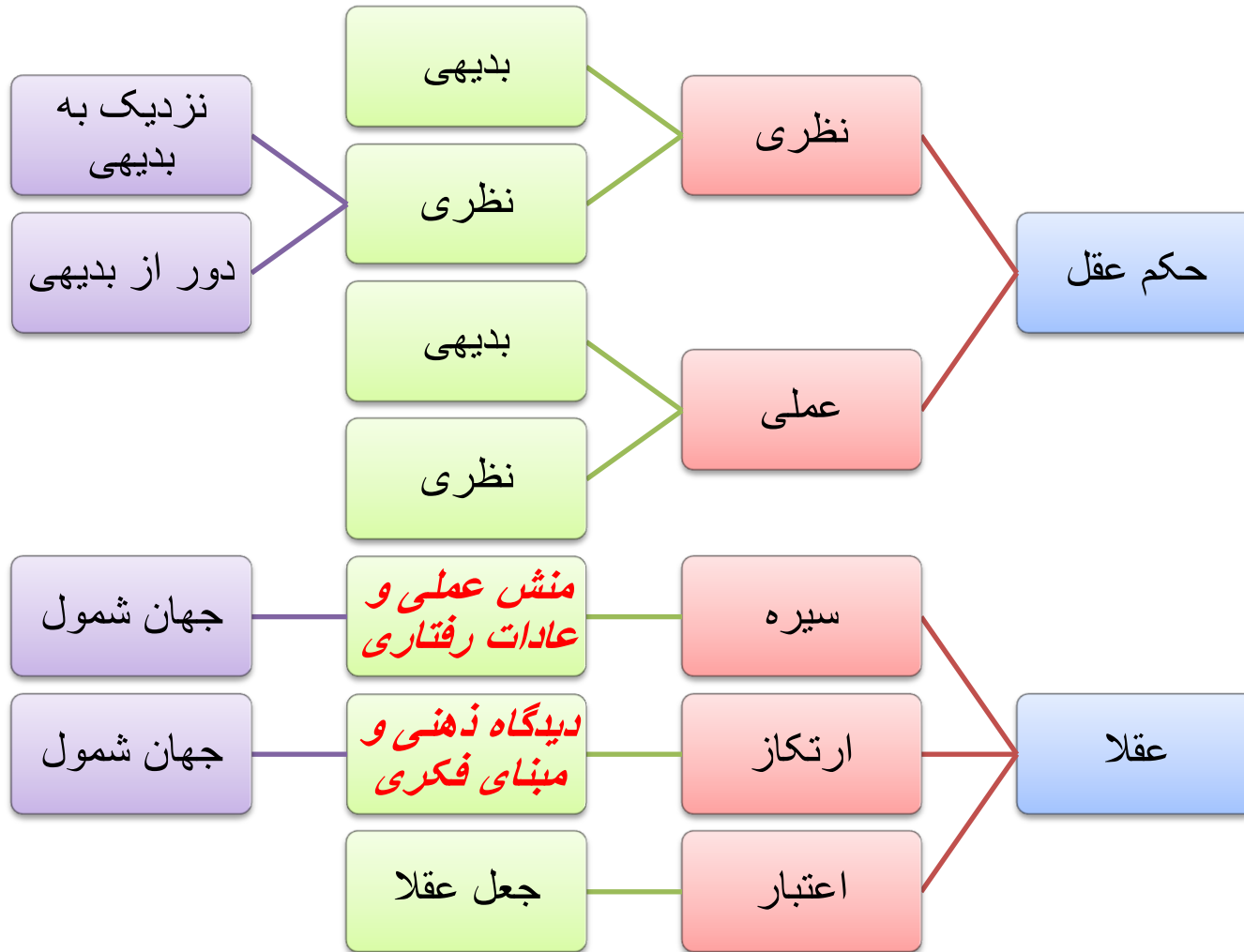
- به عبارت دیگر عقل (قوة فهم و شعور) است که حکم می‌کند حیازت عامل مالکیت است. همه ارتکازات عقلایی به این معنا عقلی‌اند. و از مدرکات جزئی نظیر حس یا وهم نیستند.

فرق سیره یا ارتکاز عقلایی با حکم عقل

- دستاوردهای امروز علوم یعنی چیزهایی که متأخراً در تاریخ بشر کشف شده‌اند، هیچ کدام جزء ارتکازات عقلایی نیستند؛ مثل اینکه زمین کروی است یا زمین دور خورشید می‌گردد.
- این گونه بحث‌ها از مدرکات عقلی نظری هستند که بشر بر اساس یک مجموعه اطلاعات و استدلال‌ها به آنها دست یافته‌است.
- بعضی از این مباحث در گذشته هم محل اختلاف بوده‌اند مثل گردش زمین به دور خورشید. که اکثر مردم فکر می‌کردند خورشید به دور زمین می‌گردد و در مقابل عده‌ای هم به گردش زمین به دور خورشید معتقد بودند.

فرق سیره یا ارتکاز عقلائی با حکم عقل

- این نوع بحث‌ها اصلاً ارتکازی نیست این‌ها مطالبی است که به بحث علمی و مقدماتی نیاز دارد که ممکن است در گذشته زمینه دستیابی به آن‌ها نبوده باشد. ما امروز بر اثر پیشرفت فناوری اطلاعات فراوانی داریم که قبلاً برای ما قابل دستیابی نبود.



فرق سیره یا ارتکاز عقلائی با حکم عقل

- گاهی سیره عقلائی ای وجود دارد که نه تنها طبق مفاد حکم عقل نیست، بلکه **بخلاف آن است**. این بحث بین سیره عقلا و حکم عقل مطرح است نه بین ارتکاز عقلا و حکم عقل. برای مثال امروز به هر جامعه‌ای مراجعه می‌کنیم، معاملات ربوی در آن جاری است و حتی در جامعه اسلامی با اینکه اسلام به شدت ربا را محکوم کرده‌است، همچنان به اشکال مختلف سریان دارد در حالی که ارسطو می‌گوید عقل ربا را از مصادیق ظلم می‌داند.
- اگر کسی این بحث را به شکل پیش‌گفته بپذیرد، معنایش این است که یک حکم عقلی داریم که ربا حرام است و در همان یک سیره عقلایی مبتنی بر ربا داریم که ربا را عملاً جایز می‌داند. پس این سیره عقلایی از مواردی است که بدون یک امر مشترک در ذهن عقلا پیدا رفتار مشترکی شده‌است، بلکه با اینکه خلاف مفاد سیره در ذهنشان وجود دارد، همه در رفتارشان این‌طور عمل کردند!

فرق سیره یا ارتکاز عقلائی با حکم عقل

- هر چند وجود یک سیره بدون نکته مشترک در نظر عقل محال نیست، نزدیک به محال است؛ چون احتمال اینکه دو نفر بدون نکته ذهنی مشترک مثل هم رفتار کنند، خیلی بیشتر از این است که سه نفر در این حال مثل هم رفتار کنند. حال اگر تعداد آن‌ها را زیاد کنید، احتمال اینکه رفتارشان یکسان باشد، کمتر و کمتر می‌شود. پس احتمال اینکه میلیاردها نفر در طول تاریخ بشریت بدون هیچ نکته مشترک در ذهنشان یکسان رفتار کنند، بر اساس حساب احتمالات تقریباً صفر است و تحقق چنین امری بعید است؛ هر چند همچنان طبق اصول منطقی و عقلی محال نیست و از آن بعیدتر اینکه طبق این تحلیل از ربا همة عقلاء نه تنها بدون نکته ذهنی مشترک بر خلاف نکته ذهنی مشترک در ذهن خود عمل کرده‌اند. بنابراین باید اشتباهی در تحلیل سیره عقلائی معاملات ربوی رخ داده باشد که بر می‌گردد به اینکه از سویی ظلم بودن ربا آن‌طور که ارسطو می‌گوید، در ذهن عقلا واضح نیست و از سوی دیگر ربا یک نکته عقلائی در درون خود دارد که باعث می‌شود عقلا آن را مجاز بدانند و سیستم ربوی در بین ایشان توسعه پیدا کند.
- تعبیراتی که در دانش اقتصاد آمده است مانند «هزینه فرصت‌های از دست رفته» در واقع همین نکته ربا است. عقلا می‌گویند وقتی برای مدت مثلاً شش ماه صد هزار تومان به کسی قرض می‌دهیم، در حقیقت به اندازه همین مدت فرصت سرمایه‌گذاری با این مبلغ را از خودمان سلب می‌کنیم و این فرصت را به دیگری می‌دهیم تا استفاده کند. بنابراین باید هزینه این فرصت از دست داده را دریافت کنیم. این استدلالی است که اقتصاد سرمایه داری بر اساس آن استوار است، که متأسفانه گاهی در محیط‌های داخلی هم همین استدلال‌ها مطرح می‌شود.
- دقت شود که نظری در اینجا در مقابل بدهی قرار دارد و با اصطلاح نظری در مقابل عملی متفاوت است.

فرق سیره یا ارتکاز عقلائی با حکم عقل

- احکام عقلی بتی و قطعی هستند. همه این احکام به گونه‌ای هستند که خلاف آن‌ها این نمی‌تواند تحقق یابد باشد؛ یعنی هر حکم عقلی طوری است که اگر غیر از آن باشد، اجتماع نقیضین پیش می‌آید.
- تمام امور عقلایی حکمت عقلایی دارند؛ برای مثال حکمت مالکیت نظمی است که ایجاد می‌کند. وقتی پذیرفتیم کسی که سلطه تکوینی دارد، سلطه اعتباری هم دارد، دیگر نمی‌توان بدون اجازه او به حوزه مالکیت‌اش وارد شد، یا در چیزی که در آن حوزه قرار دارد. این باید‌ها و نبایدها نوعی نظم ایجاد می‌کند و باعث می‌شود که رفتارها منظم شوند.
- این پاورقی توضیحی است که در متن اصلی نیست اضافه شده
- این تعبیر کلمه در عبارت استاد نبود و اضافه شده

اشکال و جواب

- بعضی می پرسند چطور ممکن است عقلا عقلشان یک حکمی کند و در عین حال سیره یا ارتکازشان با آن حکم عقلی متفاوت باشد؟
- به هر حال عقلا عاقل هستند و عقل دارند. پس هر کاری می کنند حتماً یک حکم عقلی در وراثش هست. پس اصلاً سیر عقلایی ای نداریم که پشتوانه اش یک حکم عقلی نباشد.

اشکال و جواب

- ما نیز می‌پذیریم که عقلا خلاف عقل خودشان عمل نمی‌کنند اما این در جایی است که حکم عقل بدیهی یا نزدیک به بدیهی باشد؛ یعنی به گونه‌ای روشن و آشکار باشد که عقل به صراحت و وضوح آن را دریابد. اما اگر از این حد بگذرد؛ یعنی در حکم عقلی نظری رفتارهای عقلا و حتی ارتکازاتشان ممکن است با حکم عقل متفاوت شوند در مباحث عقلی نظری از بین آرائی که وجود دارد یک رأی درست است و آن یک رأی هم قابلیت اثبات عقلی دارد؛ ولی در عین حال ممکن است سیره یا ارتکاز عقلا با آن منطبق نباشد؛ زیرا این بیشتر احکام عقلی نظری به گونه‌ای نیستند که همه به آن توجه داشته باشند و برای همه مطلب روشنی باشد.

اشکال و جواب

- برای مثال وقتی مسأله ربا را تحلیل می‌کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که نمی‌تواند یک امر مشروعی باشد؛ چون در قرض، آن مال قرضی از مالکیت قرض دهنده خارج می‌گردد و قرض گیرنده مالک آن مال قرضی می‌شود. برای قرض دهنده، مماثل این مال در یک ظرف اعتباری به نام «ذمه گیرنده» تضمین شده است.

اشکال و جواب

- ممکن است قرض گیرنده با این مال تجارت کند و سودهای فراوانی به دست آورد، این سودها مال کیست؟ از آثار این مالی است که مبادله می شود و الآن در ملک قرض گیرنده است. مال قرض دهنده (مماثل) در یگ گاو صندوق فرضی (ذمه) قرار دارد و اصلاً در جریان این معاملات وارد نشده است. حال اگر قرض دهنده بگوید من سهمی از سود را مالک هستم، توقع بی جایی است.

اشکال و جواب

- به سبب همین تحلیل ربا حرام است و بر خلاف نظر شهید مطهری - رضوان الله تعالى عليه - فرقی بین قرضی که برای سرمایه گذاری گرفته می شود و قرضی که برای مصرف گرفته می شود، وجود ندارد. ایشان در بحث ربا این احتمال را مطرح می کنند که شاید «قرض استهلاکی» با «قرض سرمایه گذاری» فرق داشته باشد.

اشکال و جواب

- این تحلیلی که بیان شد به گونه‌ای است که اگر کسی مباحث حقوقی، عرفی و شرعی قرض و مفهوم مال، ذمه، سودآوری مال، ارتباط سود با مال و ارتباط سود با صاحب مال را درک کند، می‌تواند این بحث را بپذیرد.

اشکال و جواب

- اما این بدان معنا نیست که پس همه عقلا الآن چنین بحثی را قبول دارند، بلکه ارتکاز و رفتار عقلا خلاف این است؛ زیرا ایشان بخلاف تحلیل پیش گفته، تحلیل دیگری در ذهنشان دارند که «چون من پولم را به او داده‌ام پس باید سودی از این پول ببرم.»

اشکال و جواب

- این، یک تحلیل نکته عقلایی است؛ یعنی غیر عاقل (موجودی که از فهم و شعور بی بهره باشد) آن را نمی‌فهمد ولی این‌ها از آن جهت که عاقل هستند، این تحلیل شبه عقلی را می‌پذیرند؛ چون گمان می‌کنند صحیح است در حالی که از نظر فقهی و عقلی باطل است.
- در حقیقت گویا عقلشان با تسامح به آن حکم می‌کند و به دقت حکم عقلی نیست. برای همین است که می‌گوییم دقت عقلایی مساوی است با تسامح عقلی.